

حبس‌زدایی یا «مهریه» زنان؟

یک عضو مشورتی شورای فقهی و حقوقی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری با اشاره به موضوع بازنگری در پرونده زندانیان مهریه گفت:



یک عضو مشورتی شورای فقهی و حقوقی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با اشاره به موضوع بازنگری در پرونده زندانیان مهریه گفت: افزایش جمعیت این زندانیان، تورم قیمت سکه و ... باعث شده دستگاه قضا طی سال‌های اخیر به زندانیان مهریه توجه ویژه‌ای داشته باشد و بحث اجرایی شدن آرای دادگاه‌های مدنی را به نوعی با مقررات گذاری بی اثر کند.

امیرحسین نوربخش در گفت و گو با ایسنا، با بیان اینکه قوه قضائیه قریب به سه دهه سیاستی را تحت عنوان «سیاست‌های تنظیمی» در پیش گرفته است، گفت: سالهاست که قوه قضائیه عمدتاً مقررات‌هایی که در بحث اجرای مجازات‌ها دسته بندی می شوند اعمال می کند، این قوه با در پیش گرفتن این سیاست قصد دارد در بحث اجرای مجازات‌ها و مدیریت وضعیت زندانیان تأثیرگذار باشد.

این عضو مشورتی شورای فقهی و حقوقی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با اشاره به اینکه رئیس قوه قضائیه چندی پیش در زمینه مهریه ضمن تصویب بخشنامه‌ای با همکاری و مشورت معاونان خود «مقررات گذاری»‌هایی انجام داده است، با بیان اینکه در مقررات گذاری نمی توان از مرزهای قانون فراتر رفت گفت: همه گمانه زنی‌هایی که در زمینه بازنگری پرونده زندانیان مهریه اعلام و دلایلی که برای تصمیم‌گیری مطرح شده، در بحث‌های اجرایی قرار دارد، به طور مثال افزایش جمعیت زندانیان مهریه، تورم قیمت سکه و مشکلات قوه قضائیه در رسیدگی و نگهداری از زندانیان باعث شده این قوه طی سال‌های اخیر به زندانیان مهریه توجه ویژه‌ای داشته باشد و براین اساس در تلاش است تا بحث اجرایی شدن آرای دادگاه‌های مدنی را به نوعی با مقررات گذاری بی اثر کند.

این مشاور حقوقی در ادامه با بیان اینکه اصولاً بدهکاران بر اساس قوانین کشور مجازات می شوند، ادامه داد: وضع برخی مقرره در بحث‌های قانونی به نوعی «قانون گذاری ثانوی» محسوب می شود که می تواند قوانین را بی اثر کند و موجب کاهش اعتماد و عدالت جامعه نسبت به دستورات قضائی شود، این در حالیست که با وضع برخی مقرره نمی توان قوانین را دور زد و در بحث‌های اجرایی آن تخصیصی قائل شد.

بنا بر اظهارات این عضو مشورتی شورای فقهی و حقوقی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، «اعمال مجازات و رفع آن» از وظایف مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) به شمار می رود و نمی توان مقرره‌ای اتخاذ کرد که به اعمال مجازات بیش از حد یا رفع مجازات محکوم علیه منجر شود، این در حالیست که قوه قضائیه از راه آئین نامه، مصوبه، بخشنامه و دستورالعمل‌های دولت، سیاست‌های تنظیمی اعمال می کند تا مجازات‌هایی مانند مهریه که دارای حکم قانونی هستند از این طریق بی اثر شود که همین موضوع چالش و خلاءهایی در قوانین ایجاد می کند.

به گفته این کارشناس، برخی بر این باورند که نباید فردی به دلیل عدم تمکن مالی برای پرداخت مهریه به حبس محکوم شود و حتی از دیدگاه حقوق بشری نیز حبس مرد به دلیل نپرداختن مهریه مغایر با حقوق بشر دانسته شده است، تا جایی که به دلیل تعداد زیاد جمعیت زندانیان مالی، علیه ایران، بخشنامه نیز صادر شده است.

نوربخش همچنین با اشاره به اینکه در مقررات گذاری و سیاست‌های تنظیمی تنها می توان نظم و ترتیبی اتخاذ کرد، ادامه داد: بخش‌هایی که نسبت به مسائل حقوق زنان دارای حساسیت بیشتری است برای قوه قضائیه در اولویت قرار دارد و این دیدگاه سبب شده حضور زنان در دادگستری‌ها و حق خواهی آنها به نوعی تحت الشعاع قرار گیرد در همین راستا به نظر می رسد قوه قضائیه قصد حبس‌زدایی داشته و سیاست حبس‌زدایی را عموماً به بحث مهریه ارتباط داده است، اما این سوال مطرح می شود که آیا قوه قضائیه در خصوص سایر زندانیان مالی نیز قصد حبس‌زدایی دارد؟.

این عضو مشورتی شورای فقهی و حقوقی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری ضمن طرح این پرسش که «چرا در زمینه معرفی و توقیف اموال بدهکاران مهریه تصمیم‌گیری نمی شود؟» افزود: در شرایطی که در ایران دسترسی به اطلاعات دقیق شخصی و فردی مردم به راحتی امکان پذیر است، سامانه دقیق ملی برای ثبت اموال و مالکیت اشخاص حقیقی وجود ندارد، همین مساله موجب شده بسیاری از زنان به حقوقشان دست نیابند، اما اگر امکان دسترسی به

اطلاعات اموال مردانی که از تمکن مالی بالایی برخوردارند اما از پرداخت مهریه امتناع می کنند وجود داشته باشد، می توان از طریق قانونی با توقیف اموال مرد، مهریه زن پرداخت کرد.

وی با اعتقاد به اینکه «مهریه در جامعه ایران با بحران اجتماعی مواجه شده است» گفت: اگرچه دستورالعمل بازنگری پرونده زندانیان مهریه موجب شده تا میان سیاست حبس زدایی و تحقق حقوق زنان چالش ایجاد شود، اما منشأ بحران مهریه در جامعه ایرانی «کالایی شدن» آن است؛ زیرا طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که می خواهد در آن اعمال کند؛ به همین دلیل باید موضوع مهریه را از کالایی شدن به سمت «اجتماعی کردن» سوق داد.

این استاد دانشگاه همچنین با بیان این اعتقاد که بازنگری پرونده زندانیان مهریه می تواند نوعی تحقیر اجتماعی جامعه زنان محسوب شود، گفت: با نگاهی به وضعیت زنان به راحتی می توان به این مساله پی برد که زنان نسبت به مردان در جامعه فقیرتر هستند، چراکه علی رغم برابری مردان و زنان در عرصه های آموزشی و اشتغال، آن ها عمدتاً از استقلال کمتری برخوردارند و در مشاغل نیز حقوق کمتری دریافت می کنند، آن ها حتی در بحث ارث نیز نصف مردان سهم می برند که این مسائل در فقیرتر شدن طبقه اجتماعی زنان تأثیرگذار بوده است، حال آنکه در جامعه کنونی که مهریه تنها راه تعدیل حقوق میان زنان و مردان به شمار می رفت همان نیز در حال نابودی است.

به گفته وی تمامی راهکارهای ارائه شده در جهت رفع بحران مهریه، راهکارهای «تنظیمی» بوده است؛ راهکارهایی که از بحث مقررات اجرایی و تنظیم مقررات فاصله گرفته و به سمت قانون گذاری قضائی و بی اثر کردن اعمال مجازات حرکت کرده است که این امر می تواند موجب نارضایتی، ناامیدی، نزاع و درگیری در جامعه شود.